



رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت:

دریافت دوز سوم واکسن برای محافظت علیه امیکرون لازم است

رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت با تأکید بر لزوم تکمیل واکسناسیون علیه کرونا از سوی هموطنان، گفت: در حال حاضر هیچ کمبودی از نظر واکسن در کشور وجود ندارد

سردار آزمون به انتظاریک دهه ای پایان داد

گلزنی ایرانی ها در بوندس لیگا پس از ۳۶۹۶ روز

سردار آزمون مهاجم تیم ملی ایران ۳ ماهی است که به بایرلرکوزن پیوسته تا جدیدترین بازیکن ایرانی شاغل در فوتبال آلمان لقب بگیرد.

گزارش تاریخچه نمایشگاه بین المللی قرآن کریم به روایت عباس نظری راد

نمایشگاه قرآن نمونه کار فرهنگی موفق پس از انقلاب

که ۳۰ سال در خدمت نمایشگاه قرآن کریم بوده از ابتدا در سطحی محدود و با بخش های کوچکی آغاز به کار کرد و اکنون بیست و نهمین دوره خود

نمایشگاه قرآن کریم از ابتدای تولدش در اسفند ماه ۱۳۷۲ تاکنون روزهای پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. نمایشگاهی که به قول یکی از نمایندگان

«پلنگ مازندران» هم تیر خورد هم دارت بی هوشی



پلنگ مازندران که صبح دیروز بر بالای در بانک صادرات قائمشهر دیده شد، تلف شد. پلنگ در حین فرار به یک مأمور نیروی انتظامی حمله می کند و محیط زیست مازندران برای نجات مأمور مجبور به شلیک به پلنگ می شود. پس از آن حیوان با دارت پلنگ بیهوش می شود که در نهایت به مرگ این گربه سان منجر شد.

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری عنوان کرد

پرداخت تسهیلات تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان برای زنان سرپرست خانوار

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت: از زمان شروع فعالیت در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، برای فعال کردن ستاد ملی زن و خانواده تلاش هایی انجام شد...

معاون وزیر بهداشت اعلام کرد

اجرای کامل طرح نسخه نویسی الکترونیک تا پایان امسال

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با همکاری سه وزارتخانه بهداشت، ارتباطات، اطلاعات و بیمه ها، طرح نسخه نویسی الکترونیک تا پایان سال جاری به طور کامل اجرا خواهد شد.

رئیس مرکز فناوری اطلاعات سازمان تأمین اجتماعی

۳۰ خدمت تأمین اجتماعی بدون مراجعه حضوری

از دیرباز تاکنون مراجعه به سازمان های خدمات دهنده به مردم همواره با مشکلات متعددی همراه بوده است، از تعداد دفعات برای دریافت کوچک ترین خدمت گرفته...



گزارش «ایران» از اهمیت طرح معاونت امور زنان ریاست جمهوری برای امکان مشاوره های رایگان زوجین

سال اول زندگی مشترک زیر ذره بین مشاوران

روی دیوار انواع نایلون های پلاستیکی دیده می شود که مصرفش بیشتر برای بوتیک های لباس فروشی است. فروشنده می گوید این راسته اولش پاکت فروشی بود و از وقتی مصرف نایلون در ایران رواج پیدا کرد، اینجا هم نایلون فروشی شد. اینجا الان عمده ترین مرکز نایلون فروشی است و هر کس دنبال خرید باشد، جایی را به تنوع اینجا پیدا نمی کند



بالاتر هم هست که بستگی به اندازه و طرح آن دارد و دیگر سلیقه مشتری و کاربردی که برای آن در نظر دارد تعیین می کند که کدام را انتخاب کند. زن میانسال چادر مشکی را به دندان می گیرد و قیمت یک دسته نایلون چلپدار را سؤال می کند. مرد کیلویی ۵۵ هزار تومان قیمت می دهد و می گوید که یک کیلو هم حداقل ۳۰ تا ۴۰ تا کیسه نایلونی می شود. این البته برای سایز متوسط است. یک سایز بزرگ ترش کیلویی ۵۸ هزار تومان است و اگر بخواهید به دلخواه خودتان یک لایه چاپ روی آن بزنید، کیلویی ۵ هزار تومان روی قیمت می آید یعنی می شود کیلویی ۶۳ هزار تومان. البته برای آنکه طرح مورد نظر خودتان روی نایلون ها چاپ شود، حداقل باید ۲۵۰ کیلو سفارش دهید.

کیف های دستی یا زنیل های مقوایی با طرح های رنگی کنار هم چیده شده اند. بیشترشان با طرح قلب و گل و رنگ های مثل شاد قرمز و صورتی. داخل بعضی هایشان پوшал کاغذی هم رنگ هم گذاشته اند که چشم نوازتر باشد و مشتری را بیشتر ترغیب کند. جان می دهد برای کادو دادن. راستش دیگر کمتر کسی هدیه اش را با کاغذ کادومی پیچد و چسب نواری می زند و رویان می بندد. این روزها بیشتر مردم همین کیف های مقوایی را ترجیح می دهند. کاربردش هم زیاد است. شما می توانید آن را خیلی مرتب تا کنید و گوشه های بگذارید تا بعد از آن استفاده کنید. بعضی ها دوباره توی همان هدیه می گذارند و به دیگر می دهند و تشخیص داد نواس تا بازاری بافتی. توی تره بارها از نایلون های بازاری بافتی معمولاً استفاده می کنند. من رفتم سراب گوشت خریدم، گذاشت توی نایلونی که بو می داد. گفتم توی این نگذار این بازاری بافتی است. پرسید مگر شما نایلون فروشی که این را می گویی؟! گفتم بله من نایلون فروشم.»

از صاحبان کسب و کارهای کوچک خانگی تا نمایندگان تولید کنندگان بزرگ، در راسته نایلون فروش ها مشغول قیمت گرفتن و چانه زدن با حجره دارها هستند. دختر جوان دست می گذارد روی یک ریفت نایلون صورتی: «اینا چند؟» فروشنده جواب می دهد: «چند تا می خواهید؟» دختر توی آید حساب و کتاب کند، مرد می گوید: «حداقل هزار تا باید سفارش بدهی.» «هزار تا!» دختر لید دارد خیال می کند مگر چند تا کار می خواهد تولید کند که هزار تا نایلون بخرد. بشیمان می شود و سراغ کیسه های پارچه ای می رود که دهانه ای می فروشد و هر عدد ۸ هزار تومان است و اگر بالای ۳۵ تا بخواهد ۷ هزار تومان هم حساب می کنند. در نهایت ۳۰ تا کیسه پارچه ای می خرد و فروشنده همان ۷ هزار تومان حساب می کند و هر دو راضی می شوند. «اینا هم عمده فروش هستیم و بعضی کارها تکی هم هست اما بیشتر عمده است. هر کس هم می آید تعداد می خواهد اما برای کسانی که تعداد کمتری می خواهند حداقل یک کیلو هم داریم.» یک کیلو کیسه نایلونی معمولی بین ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان قیمت دارد و قیمت های



گشتی در بازار کیسه فروش های پله نوروز خان تهران

تمام اجناس شهر توی این کوچه جامی شود

میراث ماشینی گزارش نویسنده

آقای عبادی ۷۲ ساله بیشتر از ۵۰ سال است که در بازار است؛ یعنی از ۱۲ سالگی و با این حساب درست است که او راجه ناف بازار بدانیم، اصالتاً اهل سراب است. روایتی که از قدیم پله نوروز خان تعریف می کند، تصویر مردان ترکمن مسافرا در ذهنم می سازد. روزهایی که حالا خیلی از آنها گذشته است، بیشتر از ۵۰ سال. (۵۰ سال پیش این نیش اولش تخته فروشی بود.) اشاره می کند به نیش کوچی که با مغازه خودش چند قدمی بیشتر فاصله ندارد. کل راسته نایلون فروش ها خلاصه می شود در چند کوچه کوتاه منقطع که کل روز جنب و جوش در آن جریان دارد.

«بعد از سال ۵۰ همین تخته فروشی هم شد نایلون فروشی. اینجا یک خانه بزرگ بود که وسطش یک اتاق بود. آقای نمازی و علمی نامی ساخته بودند خانه را. سال ۲۹ شروع به کار کردند و سال ۵۴ تمام شد و ما این مغازه را از آنها خریدیم. مغازه را خریدیم و اینجا شد نایلون فروشی. بعد یکی یکی تمام مغازه ها شد نایلون فروشی. یعنی اولش پاکت فروشی بود و اصلاً نایلونی در کار نبود. نایلون از زمان پلاسکوباب شد که لباس های تولیدی ها را داخلش می گذاشتند و بسته بندی می کردند و گرنه تا قبیلش همه پاکت کاغذی بود.» به رول نایلونی که کنار دستش است اشاره می کند و می گوید: «این ها را اول از آلمان آوردند. توی خود می فرود گاه دیدم. رول های ۲۰ سانتی بود. ما اینجا دستگاه دستی داشتیم که نایلون ها را خرد می کردیم و می فروختیم. اولش نایلون را برای بسته بندی لباس تولیدی ها آورده بودند و بعد همه جا گرفت و گرنه که مردم همه توی پاکت کاغذی جنس می خریدند. الان هم دوباره پاکت مد شده البته الان پاکت گراف مد شده که با پاکت های آن موفق فرق دارد.»

مردها با پیشانی های عرق کرده و صورت های گلگون که حاصل پیده روی طولانی مدت است از راه می رسند. پله ها را با سر و صدا بالا و پایین می کنند، هریک بی چیزی/لیوانی آب، قوری برای دم کردن چای و مایحتاج مختصری که معمولاً در مسافرخانه های کوچک پیدا می شود. بساط چای که علم می شود، کاسه های گلسرخ است که دم به دم پر و خالی می شود و صحبت مردها گل می اندازد. پیادوی مسافرخانه که در مجاورت مسافران همیشه، ترکمنی دست و پا شکسته ای یاد گرفته، چیزی می پرسد که معنی اش می شود «چیزی نمی خواهید؟» یا تعارفی معمولی از این دست. ساعتی دیگر مردها به خواب رفته اند و سکوت اتاق ها همراه با نور کم رنگ مهتاب که روی پشتی های «زمینه قرمز» تازه باف افتاده، جلوه ای دیگر به عمارت می دهد. «این دو تا مغازه انبار بود. یک نفر خریده بود و کرده بودش انبار. کارش ساندویچی بود و بغلش آرایشگاه. بالا هم همه مسافرخانه بود. از عشق آباد می آمدند. مسافرخانه که در مجاورت مسافران همیشه، می آوردند. زیر زمین هم چلوکبابی بود.» اینها را حسین عبادی می گوید که قدیمی ترین کاسب راسته نایلون

فروش های پله نوروز خان است؛ پله نوروز خان که برای رسیدن به آن باید مسجده امام را رد کرد و به دروازه نوروز خان رسید و پله های معروف را پایین رفت. اینجا اولین کوچه پله دار تهران است و می گویند پله ها در دوره قاجار برای راحتی تردد بازاریان و مشتری های مخصوص درخندان های زمستان ساخته شده که آن وقت ها واقعا زمستان بود و سوز و سرمای استخوان رami سوزاند.

باید قطع شود. درستش این است که هر کس یک کوچک پارچه ای داشته باشد و هر چه را می خرد داخل آن بگذارد اما مگر مردم چقدر این را رعایت می کنند.» کسی که این را می گوید خودش در بخش دیگری از بازار شافل است و برای سر زدن به دوستش آمده است که به شوخی می گوید: «حالا کار ما را کساد نکن دیگر.» مرد ادامه می دهد: «تا مردم بیایند و به این کار عادت کنند آنقدر زمان می برد که دیگر شاید اثری از ما باقی نمانده باشد اما همین که بالاخره به آن روز برسیم خوب است و دیگر. بگویم هم دیدید که عمر ما به آن روز قد داد و آن وقت باید یک کسب و کار جدید راه بیندازید.» جمله آخر را با خنده می گوید و هر دو می خندند. تصور می کنم مثل آن وقت که نایلون بیکهو آمد و جای کاغذ را گرفت، یک روز بیکهو نایلون جمع شود و کیسه های پارچه ای جای آن را بگیرند و مثلاً بگویند ۳۰ سال پیش استفاده از نایلون کمتری مصرف می کند و کمتر مجبور است برای خرید عمده نایلون به بازار برود و هزینه اش هم کمتر می شود. ممکن است بگوید اینجوری که کار و بار نایلون فروشی های راسته پله نوروز خان کساد می شود اما آنطور که فروشنده می گوید به فرود و آمدن بعضی خریدها چاره ای نیست و هر جا بروید خرید کنید باید جنس را داخل کیسه نایلونی بگذارند. البته پاکت های کاغذی و پارچه ای هم هست و چه بهتر که آنها را انتخاب کنند اما همه مشتری ها هم لزوماً آن را نمی پسندند. «بیک موردی وجود دارد و آن هم این است که خیلی از مردم با کیسه های نایلونی راحت تر هستند و گرنه معلوم است که پاکت کاغذی طبیعتاً را کمتر آورده می کند. همان پاکت کاغذی را هم بخواهیم درست قضاوت کنیم باید بگوییم برای ساختش چقدر درخت

نوشته شده «از خرید شما متشکریم» مثل پیام آوران بقیه کوچه ها نیست.